تحلیل برداشت صاحب حدائق از مقدمه تبیان

کلام سر عبارت دو امامین بود. مرحوم شیخ الطائفه و مرحوم طبرسی رضوان الله علیهما. تا جایی که ما در کتابها دیدیم مرحوم صاحب حدائق اولین نفری بودند که از این عبارت دو بزرگوار استفاده کردند که آنها قائل به عدم تواتر قرائات سبع هستند. تعبیری صراحت هم داشتند. فرمودند کلام این دو بزرگوار صریح است. صریح در چه چیزی؟ صریح در در چیزی که خیلی پشتوانه داشت. «صریح فی در اجماع اصحابنا المتاخرون»؛ صریح در در اجماعی است که اصحاب متأخر ادعا کردهاند. آنها ادعای اجماع کردهاند و ایشان میگویند عبارت چندین قرن صریح در در این اجماع است. و لذا این سؤال در ذهن ما مطرح شد که چطور عبارتی که در ذهن ایشان صریح است، چندین قرن کسی بهعنوان اینکه شیخ طوسی منکر تواتر هستند استفاده نکرده است. اجماعات غلاظ و شداد! الحمدلله ما عباراتشان را قبلاً بررسی کردهایم. محقق ثانی و شهید ثانی که کسانی نبودند. خود محقق اردبیلی که به گمانم سرآمد همه اینها است. بهخاطر اینکه ایشان به این زودی ها تسلیم نمیشود. چنان مناقشه میکند! ایشان قرائات سبع را بلاخلاف میداند و هیچ مشکلی ندارند در اینکه اینها متواتر هستند. قطعاً برائت ذمه میآورند. قبل از اینکه توضیح وحید بهبهانی به میدان بیاید، این را میگویند. شیخ در عبارتی که دیروز بخشی از آن را خواندم سه-چهار جور تواتر را معنا میکنند. قبل از قرن یازدهم نزد آنها تواتر معلوم بوده.

ایشان فرمودهاند صریح است. اما چرا صاحب حدائق عبارت را صریح دانستهاند؟ به گمانم مبهم نیست. بهخصوص برای ذهنیتی که ما الآن داریم. چون شیخ فرمودند مذهب شیعه این است که «ان القرآن واحد نزل من عند واحد غیر انهم اجمعوا». که تعبیری کردند رخصت و تقیه است. پس وقتی مذهب این است که حرف واحد است، حرف واحد در تناقض صریح با تعدد قرائات است. این فرمایش صاحب حدائق است که قبل از ایشان هم با اندک زمانی مرحوم فیض تقریباً تصریح کردند، سید نعمت الله هم تصریح کردند، مجلسیین تصریح به آن صورت ندارد. به اندازهای که ما بررسی کردیم به آن صورت تصریح ندارند. ولی از مجلسی اول میل به این جهت شروع شده. من عبارات را هم گذاشتهام.

اما قبل از اینها به این صورت نبوده. فضا فضایی شده که میگویند معظم المجتهدین من اصحابنا تواتر را میگویند. من گاهی در فضای تحقیق علمی خدا را شکر میکنم که کسانی که در قرن یازدهم شروع کردند فضای بحث را عوض کنند، خودشان -سید نعمت الله- برای آیندگان تعبیری «معظم المجتهدین من اصحابنا» را گفتهاند. دنبالهٔ آن عبارتی را آوردهاند که توجیهپذیر نیست. دیدی که در مفاتیح بود، در کتاب سید نعمت الله در نرمافزار اصول هست، سید صدر در شرح وافیه و همه اینها در عباراتشان عین عبارت شهید ثانی را آوردهاند. میگویند «جمهور المجتهدین من اصحابنا ذهبوا الی ان الکل مما نزل بها الروح الامین علی قلب سید المرسلین». خود سید نعمت الله جزائری گفتهاند، اما بعد در میکنند.

خب این فضا، فضای استدلالی است. ایشان میگویند که آنها اجماع کردهاند اما ما قبول نداریم. چرا؟ مگر چشم ما بسته است که روایات اهلبیت را نبینیم؟! کافی میگوید حرف واحد است. ببینید فضا کاملاً فضای استدلال است. خودشان میگویند معظم المجتهدین. یعنی مراد

مجتهدین را مبهم نمی‌آورند؛ مثلاً بگویند «ان جمهور المجتهدین ذهبوا الی تواتر السبع». بعد بگوییم که این تواتر چند معنا دارد. اینها نکات مهمی است. خود کسی که می‌خواهد در کند مراد آن‌ها را روشن بیان می‌کند. همینطور هم هست. واقع همین است. یعنی شهید ثانی هفوه نکرده‌اند که می گویند «هفوة من عظیم»، واقعاً هفوه نیست.

پس روایت می‌گوید «حرف واحد» که در تناقض آشکار با تعدد قرائت است. پس اینکه شیخ الطائفه فرمودند «و اعلموا ان العرف من مذهب أصحابنا و الشائع من اخبارهم و رواياتهم ان القرآن نزل بحرف واحد، علي نبي واحد، غير انهم اجمعوا علي جواز القراءة بما يتداوله القراء[1]»، یعنی اجماع مماشاتی و تقیه و رخصت و مدارات است. و الا مذهب، حرف واحد است. وقتی مذهب حرف واحد است، شیخ منکر تواتر هستند؛ وقتی حرف واحد است نمی‌شود که حضرت چند اقراء کنند. این حاصل فرمایش ایشان و چیزی است که به شیخ نسبت دادند.

---

[1]تفسیر التبیان ج۱ ص۷

بازبینی #2
ایجاد شده 16 آوریل 2024 15:28:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2024 13:09:58 توسط ... .